

## الباقی باسمه الأبهی

ای جواد آیا سکون اختیار نموده و جمال مختار ما بین اشرار بکمال اضطرار مبتلا گشته آیا نَفَسِ راحت از قَفَسِ تن برآوردی و حال آنکه جمال احدیه را ذیاب اریاب انفس مشرکه احاطه نموده و در کلّ حین آنجمال مبین بلحن حزین ندا میفرماید احبّای خدا را و بنصر امرالله دعوت میفرماید بی نصر نفس خود چه که لم یزل و لا یزال نفس خود را در سبیل ذو الجلال انفاق نموده چنانچه این فقره بر هر منصف بصیر معلوم بوده که در جمیع ایّام خود را از اعداء حفظ نفرموده اند و در کلّ اوان چون شمس تابان و درخشان بوده اند و لا ینکر ذلک إِلَّا کلّ مُقَلّ محروم پس واضح بوده که مقصود از نصر، نصر امر الله بوده و خواهد بود تالله اگر نفسی نَفَسی در نصر این امر بدیع برآورد مقابل است باعمال مقبولهء اهل سموات و ارض لا یقابل لشیء ان انتم فی انفسکم تتفکرون و نصر هم بسیف بیان و لسان عندالله محبوب است نه بسیوف شاخذهء حدیده چه که بضرّ نفسی راضی نبوده و نیستند و در جمیع ایّام مبالغه در این امر میفرمایند ای جواد سلطان ایجاد میفرماید که لسان را از غلاف

بیان بقویهء رحمن برآور و بقسمی تبلیغ این امر نما که جمیع آفرینش را مجال اعراض نماند چه که این احباب را در حین تکلم روح القدس تأیید میفرماید ای جواد صبح منیر از نفس رحمانی نفس کشیده و الصبح إذا تنفس مرة أخرى ظاهر گشته انشاء الله جهد بلیغ مبذول فرماید که مبادا ظلمت انفس ظلمانی و هیاکل شیطانی بحجبات انفس مشرکه این صبح نورانی را از أعین ناس مستور دارند ای جواد ذیابی چند در اثواب اغنام ظاهر شده اند باید در کل وقت پناه بخدا بُرد که از خدع و مکر این خادعین که برّب عالمین مکر نموده اند محفوظ مانیم ای جواد الیوم اگر کلّ من فی السموات دعوی ربوبیت نمایند و آیات اولین و آخرین تغنی نمایند من دون ذکر اسم ربّک الأعلى فی هیکل الأخری علی اسمه الأبهی مردود بوده و خواهند بود چه خلق کلمات بمثل خلق انفس شده و خواهد شد و هم چنانکه از خلق انفس مقصود عرفان نفس الله بوده از خلق کلمات هم از هر لسان که جاری شود مقصود ذکر حق خواهد بود اگر این رتبه از کلمات مفقود شود مثل اهل سوق خواهد بود بل عندالله ثانی ارجح و اگر چه آن نعمات باحسن الحان ظاهر شود نظر بمشکوة فرماید که اگر از زجاج لطیف و بلّور منیع مصنوع شود مقصود استوای سراج است بر او و اگر باینمقام فائز نشود آلتی خواهد بود معوّق و معطلّ لا یسمن و

لا یعنی پس مقصود از مشکاة کلمات اشتغال سراج ذکر جمال ذوالجلال بوده و من دون آن وساوس شیطانست اگر چه دفتر آن کلمات بقطر ملکوت اسماء و صفات مشاهده شود سلطان قدم میفرماید ای جواد مقصود از اشجار هیاکل اثمار معرفتم بوده و اگر شجری باین فضل مفتخر نشود حکم حکم شجره یابسه بستانیّه دارد که لایق قطع و احتراق بوده و خواهد بود ولی کاش که برای ترتیب خان محبوب مشتعل میشد و شاید که به محلّ طبخ مشرکین بُرده شود بما اکتسبت ایداه من قبل فنعود بالله من ذلک ای جواد محبوب میفرماید که ظهورم بین احبّا و قیامم ما بین أعداء در ایّامیکه کلّ ارجل متزلزل بوده و جمیع آیادی از سطوت ایّام مرتعش حجّتی بوده واضح و اعظم از حجج اولین و آخرین لو یکون الناس لمن المنصفین دلیلی بر نفسم جز ذاتم نبوده و نخواهد بود و مقصود از آیات إثبات أمر ما بین ناس که محتجب بوده اند و إلا شاربین خمر اصفا من كأس أبهی حقّ را بحقّ شناسند و بدون آن ناظر نه ای جواد تالله ظهوری بین هؤلاء أعظم عن خلق السموات و الأرض و عن کلّ ما کان و ما یکون و لکن العباد فی سُکر أنفسهم میّتون در این ایّام اطفال حرم بآیاتی تکلم مینمایند که أفئدة مقربین مجذوب و متحیر مانده اند و لیس ذلک علی العزیز چون وقت بسیار تنگ بود لوحی مختصر نازل شد ارسال

گشت و دیگر چندی قبل سوره أصحاب از سماء قدم و یمین عرش اعظم نازل شده و باسم الله اعظم حضرت منیب ارسال شده و ذکر آنجناب در آن لوح بدیع بوده از ایشان مطالبه فرمائید لوح ملاح قدس که در سنه قبل وعده آنرا بآن حبیب داده نزد اسم الله المنیب ارسال شد و بعد از اخذ سواد اصل را بآنجناب برسانید و فارسی آن هم که در پوسته قبل ارسال نشده در این پوسته ارسال گشت اصل را خود بردارید و سواد را نزد اسم الله الأعظم ابلاغ دارید و دیگر در اعتکاف مقامات ذکر فرموده بودید هر محلی که بجهة نصرت أمر الله و امر خود ارجح شمرند معمول دارند و ساکن شوند که عند الله محبوب بوده و بعد از نزول إذن از سماء قضا بھر دیار وطن نمایند إذن الله و تقدیر الله همان بوده و خواهد بود و دیگر الاقه مرقوم داشته بودید فرمودند لا یضّر مع شیء لو تکن من الثّابتین و فقره اشیاء مذکور خبر آن رسیده که بعد میفرستند سواد این نامه را هم نزد اسم الله المنیب مرسل دارید جناب حرف حی را علیه بهاء الله العزیز المحبوب تکبیر اعلی ابلاغ دارید و دو توقیع منیع از ساحت عرش بایشان فرستاده شد إنشاء الله تا بحال رسیده اریاح منیعه از کلمات بدیعه آن استنشاق آمد پنج شنبه ۱۲ ذیقعه چون نفحه روح القدس

اعظم بر عظام رمیم وزیدن گرفت و جان تازه مبدول فرمود طوبی للشارین  
من هذا الكأس الدرّی المبین